

تأملی بر شهرسازی دوره پهلوی اول

(مطالعه موردی: شهر یزد)

وحید وحدت زاد*

کارشناس ارشد طراحی شهری، تهران، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۸۵/۴/۱۹، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۶/۲/۵)

چکیده:

جنبش تجددخواهی در ایران که با شکست مشروطیت، از اصلاحات پایین به بالا ناامید شده بود، تمرکز قدرت رضاخانی را مرکبی مناسب برای خواست‌هایش دید. تجددخواهی اقتدارگرا برای نوپردازی نیازمند طرح بود و قانون؛ منبع مالی و مجری. دیوانسالاری پهلوی در شهرسازی برای پاسخگویی به این نیازها، بلدی‌ها را فربه کرد تا شهر طراحی شده جای شهر ارگانیک را بگیرد که این را لازمه تجدد می دانست و آن را نماد عقب‌ماندگی. این چنین بود که شهرسازی نو به پشتوانه نظری چهار گرایش فکری اصولگرا، بوم‌گرا، نوواره و نوپردازانه در عمده بلاد مملکت به اجرا درآمد. هر نگرش در مقام اجرا از بیان معماری خاصی بهره می برد: تهران زدگی، باستان گرایی، سبک کلاسیک اروپا و معماری مدرن. شهرسازی اینک زبانی نو برای محاوره برگزیده بود. واژگان شهری چون خیابان، فلکه، بازار، تجهیزات شهری، ادارات، مدارس، کارخانجات، شرکت‌ها و پارک‌های ملی در واژه نامه شهرسازی ایران دستخوش تغییر شدند. این مفاهیم با گرامری متفاوت سامان یافتند. دستور زبان جدید شهرسازی بر این اصول بنیان یافت: خیابان‌های صلیبی، الگوی قرن نوزدهم اروپا، توسعه شطرنجی، منطقه بندی و فرسوده‌انگاری بافت کهن. طبیعتاً مردم نیز در مقام مخاطب متون شهری جدید، خوانشی متفاوت از شهر در ذهن خود داشتند که این نشانگر دگرگونی سیمای شهر در دوره مورد مطالعه است.

واژه‌های کلیدی:

شهرسازی پهلوی اول، یزد، خیابان، فلکه، زبان شهرسازی، سیمای شهر.

مقدمه

مقصود ابتدا دیدگاه‌های شهری و معماری دوره پهلوی اول تبیین و در ادامه مصادیق این اصول در شهر یزد ارائه شده است. مطالعات کتابخانه‌ای مربوط به یزد، منبعث از سفرنامه‌ها، یادداشت‌ها و خودزینامه‌هایی است که از آن دوران به جا مانده. نهایتاً زبان شناسی معماری و شهرسازی دوران پهلوی اول در قالب واژه‌نامه و دستور زبان شهری معرفی و در بخش سیمای شهر، یک قرائت از متن شهری یزد بازخوانی شده است.

این نوشتار عزم آن دارد تا روایتگر تاریخ معاصر معماری و شهرسازی ایران باشد. ضرورت چنین نگاه تاریخی نگارانه‌ای به معماری و شهرسازی معاصر یکی زوال منابع شفاهی و دیگر فراهم آوردن بستری است که به اتکای و ثوقش، بتوان این میراث را به تحلیل و نقد نشست. بدین ترتیب می‌توان ماحصل کاوش‌ها و تحلیل‌های تاریخی موجود از معماری و شهرسازی ایران را در قامت یک جغرافیای محلی به کنکاش گذارد. برای نیل بدین

۲- پایگاه نظری

دوره مورد مطالعه را می‌توان "مقطع اقدام و اجرا" دانست (صفا منش، ۱۳۷۸، ۲۴۷). طبیعی است که این نگاه عمل‌گرا^۲ به تجدد، باید در بادی امر مجهز به یک دستگاه فکری فربه باشد و این بار "نه براساس تحریف شریعت که بر مبنای تفسیر خواست‌های اعلان شده در قانون اساسی ۱۲۸۶" (حبیبی، ۱۳۸۲، ۱۵۰). پیدایش جریان روشنفکری مؤثر (با افرادی چون علی اکبرخان داور، علی اصغرخان حکمت ...) بنیه نظری اقدامات پیش رو را قوام می‌بخشد (جابری مقدم، ۱۳۸۴، ۲۹۲). بسط این نظریات را می‌توان چه در اندیشه فرهنگ‌گرایان^۳ و چه نوآوران^۴ این چنین دسته‌بندی کرد (حبیبی، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴):

۱- **اصول‌گرایان:** نحله‌ای که به فرهنگ ملی، تاریخی، ایرانی و علوم اسلامی نگاه داشته و تلاش در پیوند مدنیت ایران و مدنیت جهان روزگار خود دارند (مانند سید نصرالدین تقوی و بدیع‌الزمان فروزانفر).

۲- **بوم‌گرایان:** جریانی که باور دارد می‌توان دست‌آورد علمی فرنگ را مبنا قرار داد و معارف قدیم را با آن در هم آمیخت. منشأ این تفکر را که سعی دارد با آموزش جدید جامعه را دگرگون کند، می‌توان در فارغ‌التحصیلان دارالفنون جست (نظیر غلامحسین رهنما و علی اکبر دهخدا).

۳- **نوآوران:** گروهی که در مدارس خارجه تحصیل کرده‌اند و به نوگرایی می‌اندیشند (نظیر رضازاده شفق، عیسی صدیق، امیراعلم و لقمان‌الدوله ادهم).

۴- **نوپردازان:** اندیشه‌ورزانی که چاره‌کار را فرنگی مآب شدن مملکت می‌دانند اصل را بر تغییر شکل می‌دهند و محتوا را تابع آن می‌شناسند (نظیر علی اصغر حکمت، علی اکبر داور، تیمورتاش و سیاسی).

۱- بستر اجتماعی

کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹، نقطه پیوند جریاناتی است دلسرد از مشروطه در نیل به اهدافش و خسته از هرج و مرج و ناامنی کشور، چه تجددخواه چه اصول‌گرا، چه ایرانی و چه انیرانی^۱. اقتدار ناشی از سازمان دیوانسالار و نیروی نظامی قاهر رضاخان، برای جامعه امنیت و نظم به ارمغان می‌آورد و برای او، تمرکز قدرت، ناکامی در تجدد از پایین به بالا منجر به دیکته شدن همان خواست بود در ظاهر تجدد مآبانه پهلوی اول اما این بار از بالا به پایین. خواست مردم اقتدار بود و تجدد و این "دولت، پرچمدار نوگرایی" بود (جابری مقدم، ۱۳۸۴، ۲۹۰). دیگر بالا و پایین اهمیت نداشت.

در یزد نیز گرایش عامه همین سمت و سو را داشت. حتا گرایش روشنفکری با مشاهده اغتشاش حاصل از سی مرتبه تغییر حکومت محلی در بیست سال پس از مشروطه، اقتداری از جنس ناصرالدین شاهی را می‌طلبید (که در ۵۰ سال سلطنتش تنها ۲۴ مرتبه فرمانداری یزد تغییر کرد). (آیتی، ۱۳۱۷، ۳۹۸). رضا خان پهلوی باز تولید این اقتدار بود.

اینچنین است که "ارزش‌ها و معیارهای غربی وقتی به ایران رسید به جامعه‌ای وارد شد که خود در تلاش برای نوسازی خویش بود. تلاش در جهت بازبینی ارزش‌های خود بر مبنای شرایط تاریخی درونی... بنابراین جامعه از سویی تحت تأثیر عوامل درونی اقدام به تغییر خویش کرده است و در این تغییر به شیوه‌هایی که خود می‌شناسد گام بر می‌دارد و از سویی دیگر این تغییرات تحت تأثیر عوامل برونی استحاله یافته و دگرگون می‌شود. نوگرایی خمیرمایه اصلی این دگرگونی است ... شهر همچون همیشه مکان تبلور کالبدی نوآرگی و نوگرایی، نوسازی و تجددطلبی می‌گردد" (حبیبی، ۱۳۸۴، ۱۲).

۳- شهرسازی قانون مدار

تجدد خواهی توتالیتز برای نیل به منویات نوپردازانه اش، ناگزیر به تناور کردن نظام دیوانسالاری است. شهرهای ایالتی که تا پیش از این در رابطه ای نیمه مستقل با مرکز به سر می بردند، تنها در رابطه وابسته جدید خود می توانند مجری بروکراسی دولت قاهر باشند (حبیبی، ۱۳۸۳، ۱۶۴). فرمانداری یزد نیز در راستای همین نیاز، دارالاماره خود را در موقعیت قلعه حکومتی قدیم، توسعه داد.

پیرو رویکرد بروکراتیک پهلوی، شهر چه به عنوان مظهر کالبدی تفکر رایج زمانه و چه به عنوان بستر تحولات پیش رو، برای سامان یابی در اولویت قرار گرفت. هرگونه ضابطه مندسازی شهری لاجرم به انقطاع از توسعه اندام واره^۵ می انجامید. از طرفی با جدیت یافتن مساله مالکیت خصوصی^۶، ضرورت تدوین نظام شهری جدید بیش از پیش عیان شد. اینچنین بود که برای جاری شدن مداخلات ارادی یک تفکر در شهر، خلاءهایی نمایان گشت: نیاز به مجری، نیاز به منبع مالی، نیاز به متخصص، نیاز به قانون و نیاز به طرح.

بلدیه، ارگانی بود که در سال ۱۳۰۰ در پاسخگویی به این ضرورت ها دوباره آغاز به کار کرد. نگاهی به ادارات وابسته به بلدیه در بدو بازگشایی اهمیت آن را نمایان می کند: اداره صحیه، اداره امور خیریه، اداره تفتیش، احصائیه، سجل احوال، عواید بلدیه، ساختمان، میاه و... حتی در تهران انجمن بلدیه پیش بینی شد که با رأی ساکنین انتخاب می شدند (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۶، ۱۲۶). بلدیه یزد در سال ۱۳۰۹ مقارن با سفر رضاشاه به یزد با کادری انگشت شمار به وجود آمد که سرآغازی شد بر تغییراتی بنیادین در سیمای شهر (طاهری، ۱۳۱۷، ۲۳).

برای تأمین بودجه طرح های شهری قانون مالیات مستغلات در سال ۱۳۰۹ به تصویب رسید. همان سال مالیات وسایل نقلیه نیز افزایش یافت. افزون بر آن سنگفرش کردن کوچه ها، توسط مالکین صورت می گرفت (صفامنش، ۱۳۷۸، ۲۵۹).

بلدیه، در نخستین سال تأسیسش به منظور جبران نیروی متخصص ناکافی، مدرسه ای برای تربیت کارشناسان فنی برای تهیه نقشه های ساختمانی و کارهای متره و برآورد در مدرسه دارالفنون بنیان نهاد و این تاریخ آغاز آموزش رسمی معماری در ایران شد.^۷ دفاتر و شرکت های نقشه کشی و ساختمانی خصوصی در سال ۱۳۰۷ همزمان با اعلان نخستین سلسله قوانین نماسازی، رونق گرفت (صفامنش، ۱۳۷۸، ۲۶۰ و ۲۵۸). از طرفی قانون سال ۱۳۰۷ اعزام دانشجو به خارج از کشور برای آموختن فن مهندسی و معماری نو و نیز بهره گیری از تخصص مستشاران نظامی (مثلاً در نقشه ۱۳۱۶ تهران) نیاز شهرسازی جدید به متخصص را تا حدی التیام می داد (حبیبی، ۱۳۸۲، ۱۶۵ و ۲۰۴). در یزد نیز بسیاری از طرح های مهندسی توسط متخصصین خارجی انجام می گرفت چنان که یک مهندس روس تبعید شده،

سیم کشی برق یزد را در حوالی سال ۱۳۰۸ انجام داد (محبوبی، ۱۳۶۸، ۴۴۷).

فرد ریچاردز^۸ در سفر خود به یزد هرگاه قصد طراحی از ساختمان های قدیم را داشته با نگرانی مردم که او را یک مهندس و یا معمار می پنداشته اند، مواجه می شده:

"این امر طبیعی بود، چه ایرانیان افراد خارجی را برای این قبیل کارها استخدام می کردند. در ایران راجع به این قبیل امور حتا با صاحبان خانه و املاک نیز مشاوره و مذاکره نمی شود و هیچ گونه غرامتی نیز به آنها پرداخت نمی شود. بنابراین ایجاد یک جاده جدید موجبات نگرانی شخصی را فراهم می کند که ممکن است خانه و یا قسمتی از ملک خود را برای عریض کردن خیابانی در مرکز شهر از دست بدهد" (قلمسیاه، ۱۳۷۵، ۲۱۱).

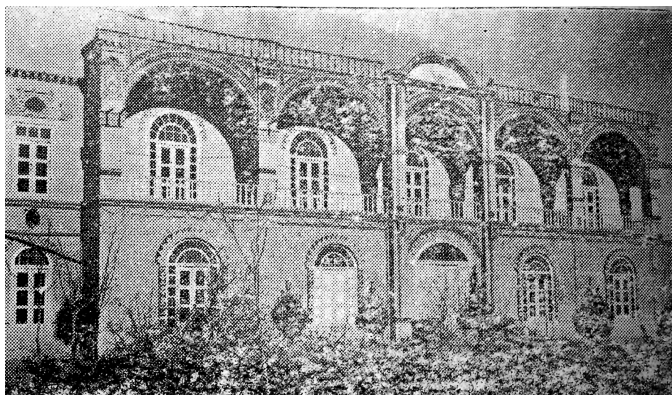
ضوابط و قوانین اجرای طرح ها نیز با گذر زمان فربه تر شد:
در سال ۱۳۰۷ بلدیه اعلام کرد مغازه داران درب ها و پنجره های دکان های خود را با نوع شیشه ای آن جایگزین کنند. در همان سال نخستین قوانین نماسازی در خیابان های تعریض شده را اعلام نمود. طبق این مقررات، ارتفاع دیوار حداکثر ۳ متر، بنای یک طبقه ۳ متر و دو طبقه ۸/۵ متر تثبیت و نوع مصالح نماسازی آجرتراش یا قزاقی با ازاره پاسنگ تعیین گشت. طبق مهم ترین سلسله مقررات نماسازی در سال ۱۳۱۱، احداث بنا در جبهه معابر عمومی بدون کسب جواز کتبی از بلدیه ممنوع اعلام شد. مالکین موظف گردیدند نمای ساختمان را به وسیله معمار نقشه کش در دو ورقه ترسیم و به بلدیه ارائه کنند تا با تطبیق با نقشه مصوب، جواز آن صادر گردد. در این مقررات احداث بنای خشتی، چینه ای و کاهگلی با ممنوعیت مواجه شد (صفامنش، ۱۳۷۸، ۲۵۶). در سال ۱۳۱۲ "قانون تعریض و توسعه معابر و خیابان ها" به عنوان چارچوب اصلی اقدامات شهرسازی تصویب شد که بارها برای افزودن به قدرت اجرایی آن مورد تجدید نظر قرار گرفت. نخستین گروه دانشجویان اعزامی بازگشته از خارج کشور، متأثر از ترکیب فضای شهری اروپایی در سال ۱۳۱۸ "قانون آیین نامه پیش آمدگی در گذرگاه ها" را پایه گذاری و تصویب کردند. با اجرای این قانون ساختمان های مشرف به بدنه خیابان با اعمال ضوابطی بی تفاوت به محلات کهن پشت خود، نقاب تجدد زدند (حبیبی، ۱۳۸۲، ۱۶۴-۱۶۷).

بدین ترتیب نقشه خیابان های یزد نیز همزمان با انتصاب فرماندار جدید و تحت تاثیر ضوابطی اینچنین در سال ۱۳۱۰ تهیه شد (قلمسیاه، ۱۳۷۰).

۴- گویش شهری دوره پهلوی اول

۴-۱- واژه نامه شهری

عنصری که به عنوان واژگان شهری پهلوی مورد مباحث قرار گرفت بدین شرح اند: خیابان ها، فلکه ها، بازار، تجهیزات شهری و عناصر جدیدی چون ادارات، مدارس کارخانجات، شرکت ها و پارک های ملی.



تصویر شماره ۲- مالیه یزد.
ماخذ: (آیتی، ۱۳۱۷)

■ **عناصر جدید شهری:** این عناصر شامل ساختمان های دولتی، فرهنگی، آموزشی، صنعتی، بهداشتی، پارک ها و تجهیزات شهری است که در ادامه تشریح می شوند:

عمارت ها و **ساختمان های دولتی** جدید (دارایی، وزارت خانه ها، دادگستری، پستخانه، شهربانی، بانک ملی و ...) در پایتخت از تعدد و تنوع بیشتری برخوردار بودند، اما در مقیاس یزد نیز می توان بسیاری از این مفاهیم را برشمرد که در منولوگ شهرسازی پهلوی متضمن معنایی جدید بودند: ساختمان های فرمانداری، شهربانی، ژاندارمری و چند ساختمان فرهنگی در شمال شرقی شهر در مکان ارگ قدیم (کاوه، ۲۰). و همین طور اداره های مالیه^{۱۵} (دارایی) و سجل احوال در همان محدوده (تصویر شماره ۲).
احداث **ساختمان های فرهنگی** در یزد خصوصاً مدارس، در زمان قاجار با دشواری بسیار همراه بود. هرچند در دوران مشروطه تا حدی در معرض توجه قرار گرفت اما با بالندگی اداره فرهنگ در دو دهه اول قرن است که مجال شکوفایی بیشتری یافت:

احداث چاپخانه و کتابفروشی گلپهار در سال ۱۳۰۵ (آیتی، ۱۳۱۷، ۴۱۳ و ۴۲۹) افتتاح نخستین سینما^{۱۶} در سال ۱۳۱۴، بنیاد نهادن انجمن ادبی و پرورشگاه ایتم در ۱۳۱۵ (مسرت، ۱۳۷۱، ۵۵۶).

علی رغم وجود مکتب خانه ها و مدارس قدیم در یزد تا سال ۱۳۰۶ دبیرستانی به عنوان **مرکز آموزشی** حرفه ای در شهر

■ **خیابان ها:** به عنوان محل پیاده شدن طرح های شهری این دوره، چنان واجد اهمیت اند که نخستین نقشه دگرگونی تهران در سال ۱۳۰۹ به عنوان "نقشه خیابان ها" شناخته می شود. کوی و کوچه و راسته بازار و دربند به عنوان شالوده چند عملکردی بافت و شکل دهنده لبه های اجتماعی و فرهنگی و ذهنی تقسیمات کالبدی قدیم ناگزیر جایش را به خیابان می سپارد. عنصری مسلط، مختص تردد و لبه عینی تقسیمات نوین اقتصادی و سیاسی (حبیبی، ۱۳۸۲، ۱۶۳).
خیابان های یزد بدین ترتیب بافت کهن و زندگی کهنه را در نورددینند: بخش نخست خیابان پهلوی^۱ از دارالحکومه تا ۲۰۰ متر به سمت مرکز شهر در سال ۱۳۰۷ (آیتی، ۱۳۱۷، ۴۰۳).

خیابان پهلوی از دارایی تا فلکه پهلوی^۱ در سال ۱۳۱۴.
خیابان شاه^{۱۱} از میدان امیرچخماق تا میدان شاه در سال ۱۳۲۲.
خیابان کرمان^{۱۲} حد فاصل فلکه پهلوی و میدان مارکار در سال ۱۳۲۳.

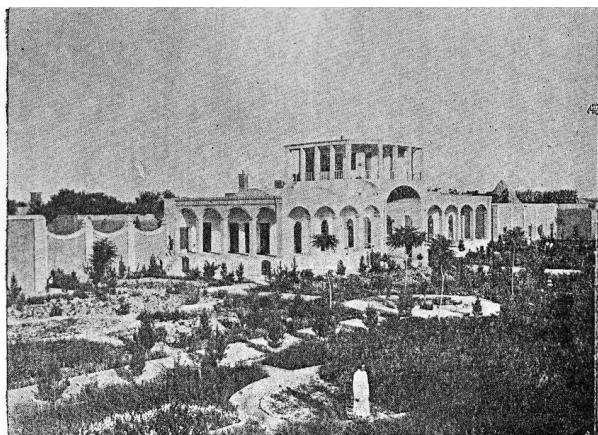
خیابان ثریا^{۱۳} پشت تکیه امیرچخماق به طرف شرق در سال ۱۳۲۵.
خیابان پهلوی به طرف شمال در سال ۱۳۲۵ (قلمسیاه، ۱۳۷۰).

■ **فلکه ها:** میدان سازی در محل تقاطع خیابان های یاد شده، از دیگر واژه های شهرسازی پهلوی است (صفا منش، ۱۳۷۸، ۲۵۵).
میدانی هندسی با عملکردی که بیش از آنکه محل اجتماعات مدنی باشد، تردد را جواب گوید. و بدین ترتیب "فلکه" به خانواده گره های شهری ایران اضافه می شود. سه نمونه مهم این میداين در یزد فلکه پهلوی^{۱۴}، فلکه مارکار و فلکه باغ ملی است (تصویر شماره ۱).

■ **بازار:** برای هماهنگی با نیازهای گردش سرمایه، بازار کهن باید عرصه را خالی کند و با اولین انتقال فضایی، خود را هر چه عریان تر در جداره خیابان های تعریض شده به نمایش بگذارد تا "زمان بازار" به اطوار زمانه جایگزین "مکان بازار" شود (حبیبی، ۱۳۸۲، ۱۶۳). شهرسازی شتابزده پهلوی این اقدام را با تعریض گذرهای داخل بازار تسریع و تسهیل می کند تا حجره های خموده قرار گرفته در جداره نو، جانی دوباره بگیرند و دکان های کم رونق داخل بازار قدیم، در بستر حاشیه، احتضار را انتظار بکشند. بازار حاشیه خیابان شاه یزد به این قیمت، رونق گرفت. خیابان های پهلوی و کرمان نیز بدنه تجاری که امروزه سنتی تلقی می شود را از آن روزگار به میراث برده اند.



تصویر شماره ۱- فلکه پهلوی.
ماخذ: (آرشیو نگارنده)

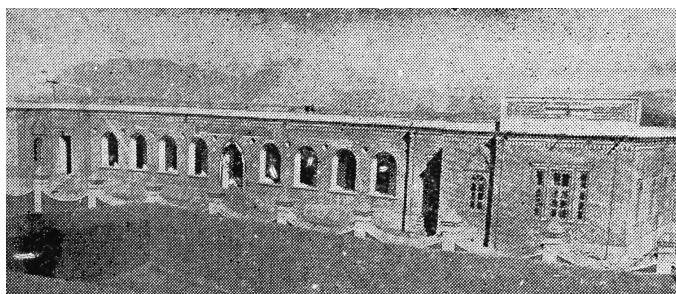


تصویر شماره ۴- کارخانه اقبال.
ماخذ: (آیتی، ۱۳۱۷)

میدان تازه تأسیسی با همین نام و در مکان یک گورستان قدیمی قرار گرفت (گلشن، ۱۳۸۴، ۵۸ و ۶۲).

تجهیزات شهری نیز در تکامل زبان شهرسازی پهلوی معنایی نو می‌یابند: سیم‌کشی و روشنایی خیابان، تسطیح خیابان‌ها و شوسه کردن راه، دایر نمودن چراغ برقی، مشخص نمودن مأموران نظیف (سپور) برعهده بلدیة قرار می‌گیرد (محبوبی، ۱۳۷۶، ۱۳۹-۱۳۵). بدین ترتیب کارخانه برق یزد برای پوشش دادن روشنایی شهر در سال ۱۳۰۹ در خیابان تازه تأسیس پهلوی احداث شد. اولین مکانی که روشنایی جدید را در یزد تجربه کرد میدان امیرچقماق بود. به تدریج سراسر شهر سیم‌کشی شد اما برق شهر تنها تا ساعت ۹ شب تأمین بود. نهایتاً در سال ۱۳۱۶ این کارخانه توانست برق کم و گرانی به شهر ارزانی دهد (محبوبی، ۱۳۶۸، ۴۴۷ و گلشن، ۱۳۸۴، ۵۱).

در رویای کریم‌خان بوذرجمه‌وری (هنگام کفالت بلدیة تهران) در شبیه کردن تهران به شهرهای اروپایی، خدمات شهری جایگاهی مهم دارد^{۲۰}. ساختن پیاده‌رو، کف‌سازی و جدول‌گذاری دوسوی خیابان، احداث آبرو سنگفرش و حوض‌های مخصوص آب‌پاشی خیابان، ایجاد سیل‌برگردان، تعمیر قنوات و کابل‌کشی زیرزمینی در پایتخت، تحقق عینی بخشی از این رویاست. در یزد مهم‌ترین اقدامی که می‌توان سواى موارد فوق برشمرد احداث شرکت آب و حفر چاه‌های آرتزین (قعری) در فاصله سال‌های ۱۳۱۷-۱۹ است (آیتی، ۱۳۱۷، ۴۲۵).



تصویر شماره ۵- زایشگاه بهمن.
ماخذ: (آیتی، ۱۳۱۷)



تصویر شماره ۳- مدرسه ایرانشهر.
ماخذ: (کاوه)

وجود نداشته. تا ۶ سال بعد یک دبیرستان کامل به بهره‌برداری می‌رسد. دبیرستان کیخسروی در سال ۱۳۰۵ و دبیرستان دخترانه ایزد پیمان در سال ۱۳۰۶ از توسعه دبستان قدیم شکل می‌گیرند. دبیرستان دولتی ایراندخت نیز در سال ۱۳۱۲ تأسیس و تا سال‌های ۱۹-۱۳۱۸ دانشسرای دختران به آن افزوده می‌شود. دبیرستان مارکار دیگر مدرسه مهمی است که به صورت ملی در سال ۱۳۱۲ احداث می‌گردد. در سال ۱۳۱۳ علی‌اصغر حکمت دبیرستان دولتی ایرانشهر را افتتاح می‌کند که در سال ۱۳۱۷ به بهره‌برداری نهایی می‌رسد (تصویر شماره ۳). مجموعاً می‌توان احداث هشتاد و شش دبستان و دبیرستان ملی و دولتی زیر نظر اداره فرهنگ یزد را تا سال ۱۳۱۷، برشمرد (کاوه، ۴۲-۱۵) (آیتی، ۱۳۱۷، ۱۶-۴۱۲) (تصویر شماره ۳).

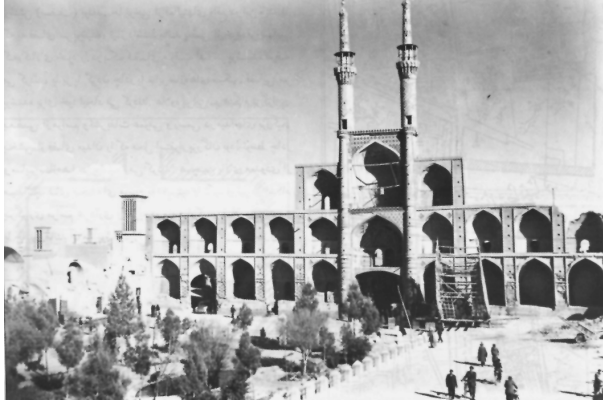
متعاقب اهتمام دولت برای ترویج **عناصر صنعتی جدید**^{۱۷} کارخانه کش‌باف گرجی یزد نیز در سال ۱۳۰۲ تکمیل و به جدیدترین آلات و ابزار مجهز شد (طاهری، ۲۱۱). سومین کارخانه نخ‌ریسی ایران کارخانه اقبال یزد است که در سال ۱۳۱۰ دایر شد (تصویر شماره ۴). کارخانه درخشان و هراتی یزد چهارمین و پنجمین این‌گونه کارخانجات در ایرانند که در سال‌های ۱۳۱۲ و ۱۳۱۴ گشایش یافتند (محبوبی، ۱۳۷۶، ۱۰۵-۱۰۳) (تصویر شماره ۴).

شرکت‌های تجاری^{۱۸} و بانک‌های^{۱۹} عدیده‌ای نیز در سایه امن سرمایه‌گذاری این زمان در یزد پا گرفتند.

به منظور ساماندهی **عناصر بهداشتی**، بهداشتی یزد در این دوره رشد چشمگیری می‌کند به طوری که بیمارستان پهلوی (فرخی) با ظرفیت متوسط ۲۰۰ نفر در روز احداث می‌گردد (همان، ۲۱۹). احداث زایشگاه بهمن (تصویر شماره ۵) و دواخانه سررتن تاتا در سال ۱۳۱۶ را می‌توان در همین راستا تعبیر کرد (آیتی، ۱۳۱۷، ۴۱۶).

از دیگر عناصری که در حیطه فعالیت بلدیة محسوب می‌شد ایجاد **پارک‌های عمومی** بود. نخستین پارک عمومی پایتخت با عنوان باغ ملی در سال ۱۳۰۷ و در نیمه غربی میدان مشق احداث شد (صفا منش، ۱۳۷۸، ۲۵۹). باغ ملی یزد نیز در ضلع شمالی

خیابان پهلوی، احداث آب‌نما و بعدها نصب مجسمه شاه در میان فلکه پهلوی، ساختن طاقنما به الگوی کلونادهای مدولار میادین اروپا در اطراف فلکه یاد شده، ... (تصویر شماره ۱).



تصویر شماره ۸- درختکاری اولیه میدان امیرچخماق.
ماخذ: (افشار، ۱۳۷۱)

۳- توسعه شطرنجی: بافت شطرنجی توسعه که در طرح ۱۳۱۶ تهران، پیاده شد به نحو بارزی متأثر از "جنبش معماری و شهرسازی مدرن" بین‌المللی است (حبیبی، ۱۳۸۲، ۱۶۵). ایده‌ای که از بسط طرح چلیپایی ایجاد شد و توسعه‌آتی شهر یزد را نیز در بر گرفت: احداث خیابان‌های ایران‌شهر (شهید رجایی) در سال ۱۳۳۴، خیابان فرح (مطهری) در سال ۱۳۳۹، امیرآباد (انقلاب) در سال ۱۳۴۱، بلوار شاهنشاهی (شهید صدوقی) در سال ۱۳۴۷ و بلوار شاه‌رضا (امامزاده جعفر) در سال ۱۳۴۸ در قالب همین توسعه شطرنجی است که با تکثیر صلیب اولیه ایجاد می‌شود (قلمسیاه، ۱۳۷۰).

۴- منطقه بندی: جدایی عملکردهای شهری آن دوران بنابر نوعی منطقه بندی کم و بیش نامنعطف نیز متأثر از همان جنبش بین‌المللی معماری مدرن و الگوی شهر صنعتی است. از این جمله احداث مناطق اداری، نظامی و اقتصادی در دل شهر کهن را می‌توان نام برد. بدین ترتیب در طرح سال ۱۳۱۶ مکان دانشگاه تهران، بیمارستان، ایستگاه راه‌آهن و کارخانه در وراى بافت موجود پیشنهاد می‌شود (حبیبی، ۱۳۸۲، ۱۶۸ و ۱۶۶). تبلور این تفکر در شهرسازی یزد، ساخت خطی تجاری در بر خیابان، محدوده خاص اداری در موقعیت ارگ قدیم، و خارج شدن بیمارستان و کارخانجات از محدوده شهر است (تصویر شماره ۹).

۵- فرسوده‌انگاری بافت کهن و نگاه موزه‌ای به تک‌بناها: در خلال سال‌های ۲۰-۱۳۱۰ طرح‌های مختلف مداخله ارادی در بافت کهن شهر پیاده شد و از آنجا که رویکرد این طرح‌ها به شهر چون محملی برای گردش سرمایه و کالا بود، اندام موجود شهر فرتوت‌انگاشته شد. بدین ترتیب ۷۰٪ از سطح ساخته شده تهران، تخریبی تلقی گردید (عزیزی، ۱۳۷۹، ۳۹). همین کهنه‌پنداری بافت کهن است که در خیابان‌کشی شهر یزد، درنگی

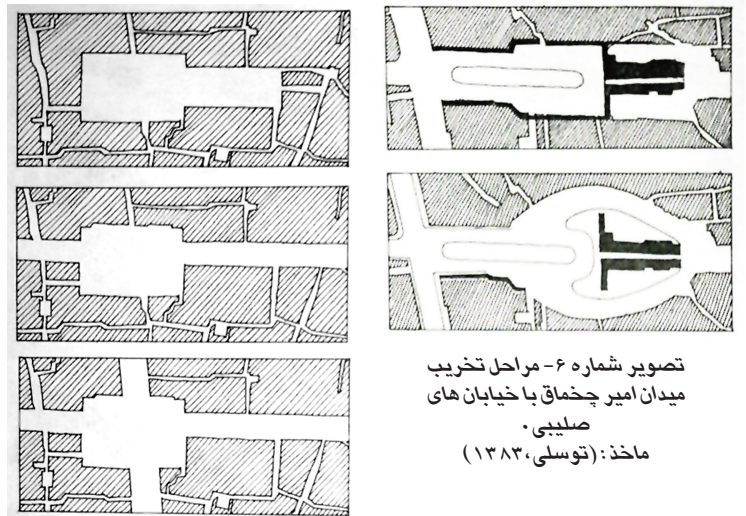
ع-۲- دستور زبان شهری

واژه‌نامه فوق‌بخشی از ادبیات شهری دوره پهلوی اول را نشان می‌داد. مهم‌تر از آن اما دستور زبانی است که بر شهرسازی آن دوره حاکم است. قواعد عمده استخراج شده از این لهجه جدید شهرسازی ایران بدین شرح است:

۱- خیابان‌های صلیبی: این شیوه به دنبال تصویب نقشه خیابان‌ها و بی‌هیچ احترامی به ساختار کهن، نخستین بار با خیابان‌های بوذرجمه‌وری و خیام در تهران ساختار نوینی را به شهر تحمیل می‌کند. و چون الگویی فارغ از مکان، چهره سراسر شهرهای کشور را مصلوب می‌نماید (حبیبی، ۱۳۸۲، ۱۶۲). آنچه این اقدام را در شهر یزد فاجعه بار می‌کند. قرارگیری مرکز ثقل خیابان‌های صلیبی (خیابان پهلوی، شاه و سید گل‌سرخ) بر دو فضای عمومی ارزشمند میدان شاه و حسینیه امیرچخماق (تصاویر ۷ و ۶) و نابودی آن است (توسلی، ۱۳۷۱، ۵۱) و آنچه باز از این قابل تامل تر می‌نماید استقبال جامعه روشنفکر یزد است از این نماد تجدد^{۲۱}.

۲- الگوی قرن نوزدهم اروپا: جانمایی عناصر شهری، تابعیت ساختار فضایی از نظام محورها، میدان‌های متقارن و ناماسازی شده در تقاطع خیابان‌ها، الگوی تقارن و مدول از استخوان‌بندی شهر تا اجزاء و احداث بلوارها و خیابان‌های درخت‌کاری شده؛ عناصر گرفته‌بردای شده از شهرسازی اواخر قرن نوزدهم اروپا است (صفامنش، ۱۳۷۸، ۲۵۵).

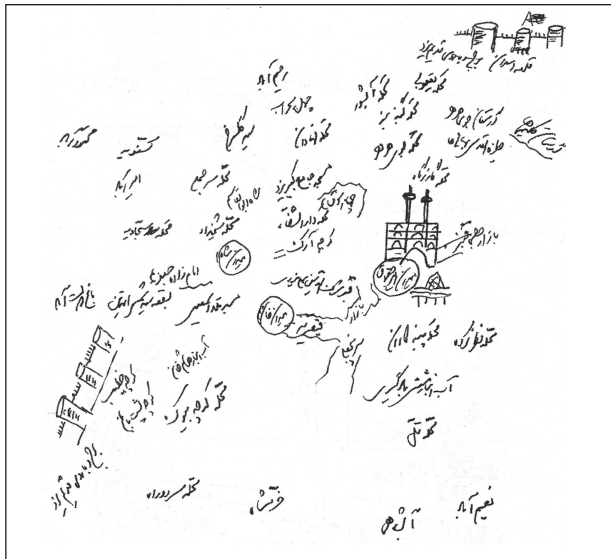
شکل عملیاتی این گرایش شهرسازی را در یزد چنین است: کاشتن بذرهای بید انجیر و شاهدانه در دو سوی خیابان پهلوی به جای درخت، احداث برج یادمانی ساعت در مرکز میدان مارکار در سال ۱۳۲۱ (کاو، ۲۳ و ۴۳). درختکاری میدان امیرچخماق (تصویر شماره ۸) و میدان شاه، جداره‌سازی و جدول‌گذاری



تصویر شماره ۶- مراحل تخریب میدان امیر چخماق با خیابان‌های صلیبی.
ماخذ: (توسلی، ۱۳۸۳)

تصویر شماره ۷- مراحل تخریب میدان شاه با خیابان‌های صلیبی.
ماخذ: (توسلی، ۱۳۸۳)

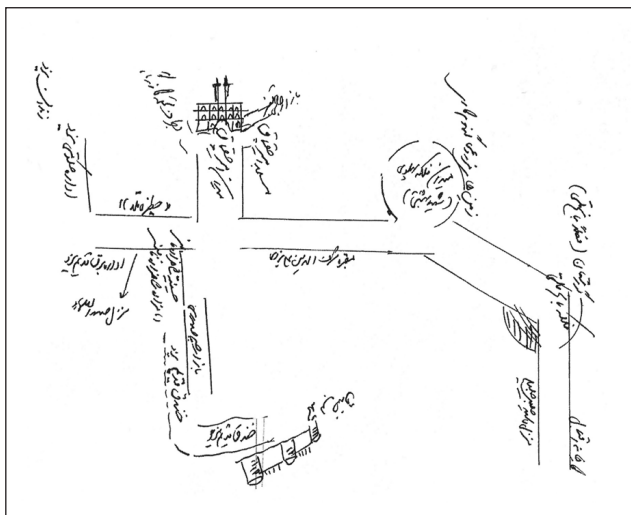
یزد آن چنانکه در خاطرمان مانده " نام می نهد، ترسیم کرده است. این تصاویر را می توان با اغماض به عنوان نقشه شناختی^{۲۵} یزد تحلیل نمود چرا که به گفته طراحش " من در آن زمان شهر یزد را به طور ذهنی بدین گونه می دیدم " (گلشن، ۱۳۸۴، ۱۹ و ۵۷):



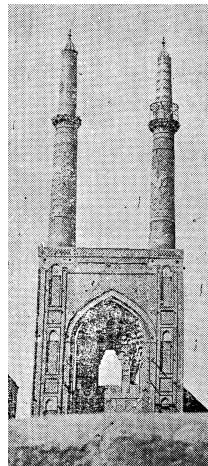
تصویر شماره ۱۱- نقشه ذهنی از شهر در دوره پیش از پهلوی اول.
ماخذ: (گلشن، ۱۳۸۴، ۴۳۹)

عناصر سیمای شهر در دوران پیش از پهلوی اول (تصویر شماره ۱۱):

- محلات (مهم ترین رکن سیمای شهر فاقد مرز کالبدی)
- گره (متبلور در میداين و حسینیه ها)
- نشانه (تکیه ها، آب انبارها، مساجد، بقاع...)
- لبه (در امتداد برج و باروی قدیم و خندق آن)
- راه (به شکلی محو و محدود در گذرها و راسته بازار)



تصویر شماره ۱۲- نقشه ذهنی از شهر در دوره پهلوی اول.
ماخذ: (گلشن، ۱۳۸۴، ۴۴۰)



تصویر شماره ۱۰-
مسجد جامع یزد
پیش از مرمت نهایی.
ماخذ: (افشار، ۱۳۷۱)



تصویر شماره ۹- نقشه ۱۳۰۷ شهر یزد

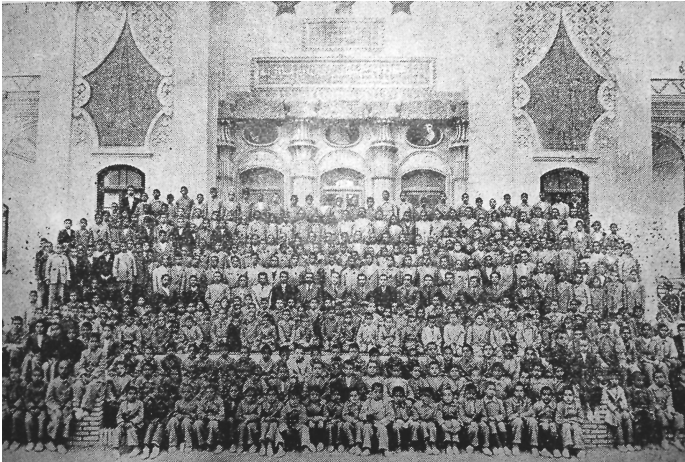
و تأملی برای حفظ برخی فضاهای مهم شهری و معماری قائل نمی شود؛ چرا که هر چه هست تخریبی است و آنچه اهمیت دارد سرعت است و سهولت (تصویر شماره ۹). اما هرچه نگاه نوواره شهرسازی پهلوی به بافت کهن با بی مهری است، تک فضاهای معماری مشمول اعتنای بیشتری می شوند که از مظاهر این نگاه، تأسیس اداره عتیقه جات و سازمان حفاظت آثار ملی در سال ۱۳۰۴ است (عزیزی، ۱۳۷۹، ۴۰). حفظ بنای کاخ گلستان، شمس‌العماره و تکیه دولت در خلال تخریب کامل محله کهن ارگ و کاخ‌های دوران قاجار، زاده این تفکر موزه‌ای جنبش مدرن است (حبیبی، ۱۳۸۲، ۱۶۵). مرمت کارشناسانه مسجد جامع کبیر از سال ۱۳۲۴ (قلمسیاه، ۱۳۷۰) و احداث خیابانی عریض با محوریت آن، همین رویکرد را در شهری چون یزد گواهی می‌دهد (تصویر شماره ۱۰).

۵- سیمای شهر در دوره پهلوی اول:

سیمای شهر^{۲۲} نه به کالبد شهر که به تصویر آن در ذهن مردمان اطلاق می شود (لینچ، ۱۳۷۲). این ادراک محیطی^{۲۳} که در تعامل انسان و محیط به شکل تصاویر ذهنی^{۲۴} ثبت می شود ممکن است مخدوش، غیر واقعی، ناخوانا و بعضاً نادرست باشند. آنچه از شهر در ذهن مردمان نقش می بندد با ذخیره اطلاعات جدید به صورت پویایی در حال تکامل و تصحیح خویش است (بحرینی، ۱۳۸۲، ۳۰۶).

برای دستیابی به سیمای شهری دوره پهلوی اول پیاده کردن متد لینچ ممکن نیست. اما می توان با بررسی اسناد موجود از آن دوران تا حدودی به شاکله شهر نو در قیاس با شهر پیش از خود در ذهن مردمان پی برد.

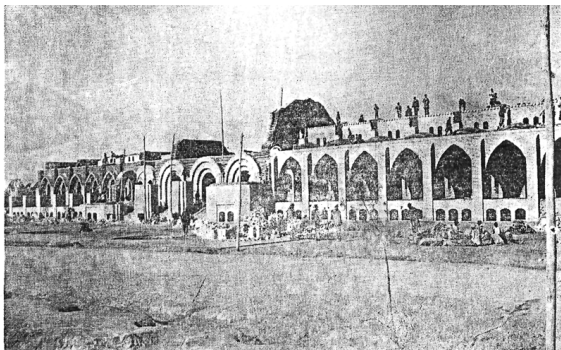
دکتر جلال گلشن تصاویری ارزنده از آنچه خود "صورت ظاهر



تصویر شماره ۱۳- دبیرستان مارکار .
ماخذ: (کاوه)

جدیدالاحداث و به منظور ایجاد نوعی وحدت شکلی به کار گرفته می‌شود. نمونه‌های این معماری در پایتخت را در چهار راه لاله‌زار اسلامبول، میدان حسن‌آباد، میدان فردوسی و میدان بهارستان (حبیبی، ۱۳۸۲، ۱۷۰) و در میدان پهلوی یزد می‌توان جست.

۴- **معماری مدرن:** بهره‌گیری از جنبش معماری بین‌المللی خصوصاً با زوال‌گرایی به معماری ناسیونال‌دولتی، رواج می‌یابد. پرهیز از تزیین، روکار ساده سیمانی، احجام هندسی و خالص از ویژگی‌های این بیان معماری است. بیانی که ابتدا نوپردازان افراطی برمی‌گزینند و رفته‌رفته از سال ۱۳۱۶ به سبک غالب در طراحی فضاهای عمومی تبدیل می‌شود (صفامنش، ۱۳۷۸، ۲۶۳). آثار گورکیان، معماری دانشگاه تهران و راه‌آهن تهران از این زمره است. در یزد نیز برج ساعت مارکار این بیان را نمایندگی می‌کند. ساختمان مدرسه ایران‌شهر اثر ماکسیم سیرو را می‌توان نوعی معماری التقاطی با بهره‌گیری از تلفیقی هوشمندانه از بیان‌های رایج آن دوره دانست. قوس‌های گوتیک و رویکرد بومی و عملکرد مدرن آن، این اثر را فراتر از دسته بندی‌های ارائه شده قرار می‌دهد (تصویر شماره ۱۴).



تصویر شماره ۱۴- مدرسه ایران‌شهر در حال احداث.
ماخذ: (آیتی، ۱۳۱۷)

این سیمای شهر در مواجهه با تصویری که شهر پس از دوران پهلوی اول اذهان گذاشته (تصویر شماره ۱۲) تغییری ماهوی و بنیادین دارد. عناصر سیمای شهر در این دوره اینچنین دستخوش تغییر شده‌اند: ■ راه (خیابان‌های تازه احداث مستقیم و عریض که در ذهن طراح آنقدر سلب است که آن را با بهره‌گیری از خط کش ترسیم کرده است) ■ گره (فلکه‌های هندسی در تلاقی راه‌های جدید. گرچه گره‌ها در دوره پیشین نیز بسیار هندسی و راست گوشه بوده‌اند اما در آن سیمای به نشان دادن موقعیت میدانی و حسینی‌ها با دوایری بسنده شده، حال آن‌که در سیمای فرم محور جدید، فلکه‌ها با استفاده از شابلون تصویر شده‌اند) ■ نشانه (تکیه‌ها، مساجد، اداره‌ها، کارخانه‌ها، زندان..). ■ لبه‌ها حذف و محلات محو و کم‌اهمیت شده‌اند.

۶- بیان معماری پهلوی

زبان شهرسازی این دوره در مقام اجرا، بیانی متناسب با مبانی نظری‌اش می‌جوید:

۱- **تهران زدگی:** نگاه الگو بردارانه به مرکز و واگویی کردن گویش معماری پایتخت یک‌اپیدمی شایع در معماری این دوره بود که اجازه بالندگی لهجه‌های مختلف معماری، آن‌گونه که در قبل وجود داشت را منتفی می‌کرد. سبک تهران (ادامه شیوه قاجار به همراه تلفیقی از عناصر معماری بومی و بیگانه) به عنوان شیوه رایج در مرکز، متأثر از نگاهی اصول‌گرا بود که پیشتر تشریح شد. شکلی از معماری که عمدتاً اقشار میانه جامعه را پوشش می‌داد و در مساکن بروز می‌یافت. با رویکردی برون‌گرا در عین حفظ حریم درون، سعی در درونی کردن مفاهیم جدید داشت تا تحول تاریخی‌اش را حفظ کند (حبیبی، ۱۳۸۲، ۱۶۸). در دوره پهلوی اول این نگاه، شیوه غالب در احداث بناهای جدید یزد است: فرمانداری، اداره مالیه، اداره ثبت احوال و آتشکده زرتشتیان نمونه‌هایی از این بیان است.

۲- **باستان‌گرایی:** نگاهی که تحت‌تأثیر اندیشه بوم‌گرا، در ادامه کاوش‌های باستان‌شناسانه در سال ۱۳۱۳ و به موازات تجدد، عربیت‌زدایی، روابط گرم سیاسی با آلمان و الهام از فرهنگ پیش از اسلام شکل می‌گیرد. تب احیای عظمت ایران باستان عمدتاً در بناهای دولتی و توسط معمارانی نظیر، وارتان و فروغی به کار گرفته شد. نمونه‌های آن در پایتخت عمارت مجلس، بانک ملی، شهربانی، موزه ایران باستان و دبیرستان‌های انوشیروان و فیروز بهرام است (صفامنش، ۱۳۷۸، ۲۶۲). ساختمان مدرسه مارکار که توسط مهندس برزو در سال ۱۳۱۲ طراحی شد، نمونه‌ای از این معماری در یزد است (کاوه، ۴۷) (تصویر شماره ۱۳).

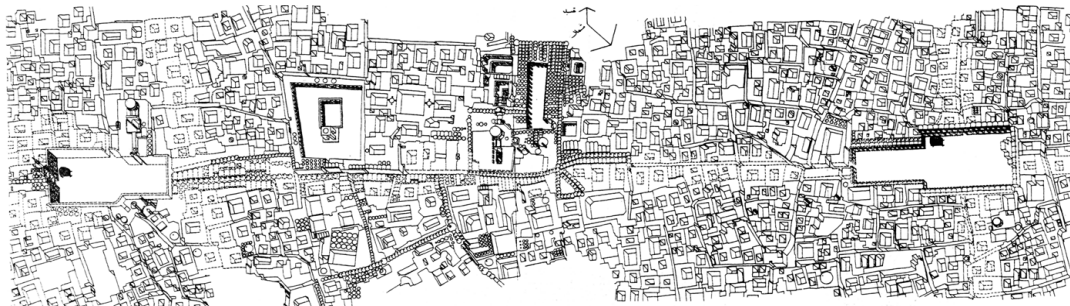
۳- **معماری به سبک کلاسیک اروپا:** شیوه‌ای متناسب با اندیشه نوواره تحصیل‌کردگان اروپا که عمدتاً در آرایش میدانی

نتیجه گیری

شد. اشتباه اصلی آنجایی رخ داد که وضع موجود، مانعی در جهت نیل به تجدد فرض شد و برای حذف آن، ساده ترین راه یعنی بهره گیری از نسخه های آزموده شده در بلاد مترقیه، پیش گرفته شد.

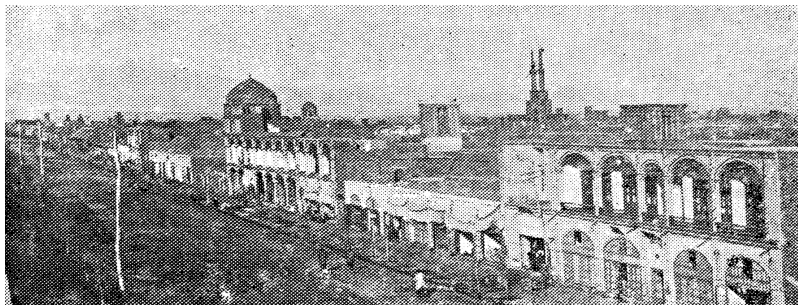
این رویکرد عملگرا، فضاهای مدرن را در ساده ترین شکل بر روی معابر قدیم، (خیابان پهلوی حد فاصل مالیه تا میدان امیرچخماق) خندق شهر (خیابان پهلوی از دارالحکومه تا مالیه و از مالیه به سمت شرق) و از میان بازار (خیابان شاه از میدان امیرچخماق تا میدان شاه) بر روی گورستان ها (میدان امیر چقماق، باغ ملی، ساختمان مالیه...) بر کشتزارها (میدان پهلوی) به طور مستقیم جاری ساخت. این برخورد سهولت محور، که خصیصه مدرنیسم است در کنار بی ارزش دانستن بافت موجود به انهدام آن انجامید؛ با این همه خیابان مدرنی را آفرید که امروزه خود به عنوان سمبل سنت و در جایگاه زیباترین خیابان شهر یزد، محل مرمت میراث دوستان واقع شده است (تصویر شماره ۱۶).

در اینکه شیوه شهرسازی پهلوی اول در یزد با از هم دریدن بافت قدیم، ضمن تخریب مهم ترین فضاهای شهری سنتی، سازمان مدنیت و شالوده شهر کهن را ویران کرد؛ جای شبهه ای نیست (تصویر شماره ۱۵). اما وارداتی انگاشتن نوپردازی رضاخانی، نادیدن تاریخ بالنده تجددخواهی از عباس میرزا تا مشروطیت است؛ حتا اگر این تجددخواهی با خواست بیرونی همسو شود و حتا اگر مستبدانه اعمال گردد. غیرمنصفانه تر این است مداخلات شهری دوره رضاخان را عرضی، صوری، خودسرانه و بی هیچ پشتوانهٔ تئوریک و از پیش اندیشیده ای تلقی نماییم. میراث تجددخواهی ملت استبداد زده ایران پس از برگزیدن امنیت مستبدانه در مقابل آزادی اغتشاش انگیز، ناگزیر به دستگامی دیوانسالار و منضبط پناه آورد که ایده هایش را محقق کند. از آنجا که شهر هم محمل این رویا بود در فراهم آوردن بستر گردش سرمایه و هم می بایست رفاهی مدرن برای شهروندانش پدید می آورد؛ به نخستین زمینه این تغییرات تبدیل



تصویر شماره ۱۵ - میدان امیرچخماق و میدان شاه و بازار حد فاصل آن پیش از احداث سه خیابان که با خط چین نشان داده شده است.

ماخذ: (توسلی، ۱۳۸۱)



تصویر شماره ۱۶ - وضعیت اولیه خیابان پهلوی که در سال ۱۳۸۴ مورد مرمت واقع شد.

ماخذ: (طاهری، ۱۳۱۷)

پی نوشت ها:

۱ این همسویی جریانات درونی و بیرونی اما در مقطعی که رضاخان خواستار برقراری جمهوریست از تغییرات برون سر برائت می جوید. جریانی از بیم تزلزل در مشروعیت سلطنت و نحله ای دیگر نگران افتادن مملکت در دام تمامیت خواهی رضاخان (مانند مدرس و مصدق).

۲ Pragmatic Approach.

۳ Culturalist.

۴ Modernist.

۵ Organic Development.

۶ مالکیت خصوصی به عنوان یکی از آرمان های مشروطیت به جد توسط رضاخان که با غصب املاک به بزرگترین مالک ایران تبدیل شده بود، پیگیری می شد. تصویب قانون ثبت اسناد و املاک در سال ۱۳۰۲ این مهم را فراهم می کرد بی آنکه حق مصادره را از دولت سلب کند. به تبع این امر، استقلال اداره ثبت احوال در سال ۱۳۰۷ برای مشخص کردن مالکان و عدلیه جدید برای حل اختلافات جدید تر، ضروری می نمود (کریمی، ۱۳۷۸، ۴۶۷). اداره

- آمار و ثبت احوال یزد در سال ۱۳۰۷ گشایش یافت و کار خود را با الزام شهروندان به داشتن شناسنامه آغاز نمود. (مسرت، ۱۳۷۱، ۵۵۳)
- ۷ روزنامه اطلاعات در چهارم مهرماه سال ۱۳۰۶ خیر از افتتاح مدرسه مذکور می‌دهد: "با حضور ۴۰ نفر از شاگردان دیپلمه شش ساله مدارس علمی تهران، تبریز و اصفهان... در مدرسه دارالفنون، مدرسه مهندسی عملاً شروع به کار کرد... دوره مهندسی ۴ سال خواهد بود که شاگردان آن پس از سال دوم دو قسمت شده، یک عده آنها در قسمت امور مربوط به طرق و شوارع به راه‌آهن و پلسازی و عده دیگر در قسمت مهندسی معماری تحصیل خواهند کرد" (اقبالی، ۱۳۷۸، ۴۲۱).
- ۸ (۱۹۳۲-۱۸۷۸) نقاش دربار انگلیس.
- ۹ نام این خیابان پس از پیروزی انقلاب اسلامی به خیابان امام خمینی تغییر کرد.
- ۱۰ نام این میدان پس از پیروزی انقلاب اسلامی به میدان شهید بهشتی تغییر کرد.
- ۱۱ نام این خیابان پس از پیروزی انقلاب اسلامی به خیابان قیام تغییر کرد.
- ۱۲ نام این خیابان پس از پیروزی انقلاب اسلامی به خیابان دهم فروردین تغییر کرد.
- ۱۳ نام این خیابان پس از پیروزی انقلاب اسلامی به خیابان سلمان فارسی تغییر کرد.
- ۱۴ در محل این فلکه پیش از احداث گندم زار و کشتزار قرار داشته. (گلشن، ۱۳۸۴، ۵۸)
- ۱۵ برای تاسیس این اداره که در محل مقبره وحشی بافقی احداث شد، سنگ قبر را برداشته صورت آرامگاه او را خراب کرده و تسطیح نمودند. (گلشن، ۱۳۸۴، ۷۳)
- ۱۶ این سینما در سال ۱۳۰۹ در سه طبقه با سقفی یه دهنه نه متر ونیم ساخته شد. برای احداث آن از تکنیک نادر چوب کاج و چوب بست و مصالح خشت و آجر بهره گرفته شده. (گلشن، ۱۳۸۴، ۷۳)
- ۱۷ اولین اقدام دولت برای ترویج صنعت جدید، قانون مصوب سال ۱۳۰۳ بود که بر اساس آن واردکنندگان ماشین‌های صنعتی تا ۱۰ سال از پرداخت حقوق گمرکی معاف شدند (محبوبی، ۱۳۶۸، ۹۷).
- ۱۸ شرکت قند و شکر در سال ۱۳۱۳، شرکت‌های انقوزه و قماش در سال ۱۳۱۴، شرکت‌های بنکداری، خشکبار، فلاحتی و کالا در سال ۱۳۱۵ و شرکت پخش سیگار در سال ۱۳۱۶. (طاهری، ۲۱۲)
- ۱۹ بانک کارگشایی که در سال ۱۳۱۸ تأسیس گشت ضمیمه بانک ملی و یکی از ادارات آن تلقی می‌شد و دارای ۴ شعبه در تهران و ده شعبه در شهرستان‌ها من جمله یزد بود (محبوبی، ۱۳۷۶، ۱۲۶). شعبه یزد آن پیش از استقلال بانک کارگشایی در سال ۱۳۰۵ گشایش یافت (مسرت، ۱۳۷۱، ۵۵۲). شعبه بانک ملی و بانک شاهنشاهی ایران در یزد نیز در سال ۱۳۱۶ افتتاح شد. (طاهری، ۱۳۱۷، ۲۱۵)
- ۲۰ وی در مجله بلدیة ۱۵ اسفند ۱۳۰۳ شهر آرمانی خود را با محوریت جهاز شهری بر می‌شمرد: "خیابان‌های عریض، اتومبیل‌ها، واگن‌های برقی، متروی زیرزمینی، لوله‌کشی آب و شبکه فاضلاب" (صفا منش، ۱۳۷۸، ۲۵۸).
- ۲۱ از آن جمله عبدالحسین آیتی نویسنده تاریخ یزد و عضو انجمن ادبی و مدرس ادبیات در دبیرستان ایران‌شهر است که این اقدامات را سراسر زیبایی می‌بیند: "خیابان‌های تازه به ویژه خیابان پهلوی که گفتیم بعد از مسافرت همایونی چند برابر بر امتداد و زیبایی آن افزوده شده با خیابان‌های فرعی آن کاملاً بر شکوه شهر افزوده است و خیابان شرقی و غربی [خیابان شاه] نیز در شرف احداث است و بعد از انجام آن، باز بر زیبایی شهر خواهد افزود" (آیتی، ۱۳۱۷، ۴۰۹).
- ۲۲ Image of the City
- ۲۳ Environmental Perception
- ۲۴ Mental Map
- ۲۵ Cognitive Map

فهرست منابع:

- آیتی، عبدالحسین (۱۳۱۷)، آتشکده یزدان، گلبهار، یزد.
- افشار، ایرج (۱۳۷۱)، یزد نامه، ج ۱، تهران.
- اقبالی، سید رحمان (۱۳۷۸)، معماری ایران در سه دهه نخست قرن بیستم، دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد دوم، ۴۱۳-۴۲۵.
- بحرینی، سید حسین (۱۳۸۲)، فرایند طراحی شهری، چاپ دوم، دانشگاه تهران.
- توسلی، محمود (۱۳۷۱)، طراحی فضای شهری، ج ۱، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- توسلی، محمود (۱۳۸۱)، ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران، پیام، پیوند نو، تهران.
- جابری مقدم، مرتضی هادی (۱۳۸۴)، شهر و مدرنیته، فرهنگستان هنر، تهران.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۸۲)، از شار تا شهر، چاپ چهارم، نشر دانشگاه تهران.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۸۳)، جزوه درس تاریخ شهر، مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۵، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، منتشر نشده.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۸۴)، شرح جریان‌های فکری معاصر و شهرسازی در ایران معاصر، سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد دوم، ۳۴-۹.
- لینچ، کوین (۱۳۷۲)، سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، دانشگاه تهران، تهران.
- صفا منش، کامران (۱۳۷۸)، تحولات معماری و شهرسازی در فاصله سال‌های ۱۳۲۰-۱۲۹۹، دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد دوم، ۲۴۷-۲۷۳.
- طاهری، احمد (۱۳۱۷)، تاریخ یزد، چاپ گلبهار، یزد.
- عزیزی، محمد مهدی (۱۳۷۹)، سیر تحول سیاست‌های مداخله در بافت‌های کهن شهری در ایران، مجله هنرهای زیبا، شماره ۷، ۳۷-۴۶.
- قلمسیاه، اکبر (۱۳۷۰)، تاریخ سالشماری یزد، نشر گردآورنده، تهران.
- قلمسیاه، اکبر (۱۳۷۵)، یزد در سفرنامه‌ها، چاپ دوم، سبز رویش، یزد.
- کریمی، کیومرث (۱۳۷۸)، توسعه شهری تهران در یکصد سال اخیر، تأثیر اقتصاد و سیاست، دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ج ۱، ۴۶۵-۴۷۳.
- کاوه، علی محمد (۱۳۲۸)، سالنامه فرهنگ یزد، گلبهار، یزد.
- گلشن، جلال (۱۳۸۴)، یزد دیروز، آداب، سنن و رخداد های ۱۳۰۴-۱۳۸۴. ش صحیفه خرد، قم.
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۶)، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، ج ۲، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۶۸)، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، ج ۳، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- مسرت، حسین (۱۳۷۱)، روزنامه‌های یزد از یزد نامه ج ۱، ۵۱۱-۵۹۰.